

يك نقطه و تمام

www.ketab.ir
ليلا مرادى



زمستان ۱۴۰۰

یک نقطه و تمام

نویسنده: لیلا مردانی

ویراستار: مژگان معصومی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۶۱-۱۶-۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۴۰۰۳

نوبت نشر: اول

زمان نشر: زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۹۹,۰۰۰ تومان

بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشری از این اثر متعلق به انتشارات شادان و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر نماینده نویسنده امکانپذیر می‌باشد. «این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۴۴۸۰۱۸۸۰ - ۴۴۸۰۱۸۸۱ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

www.shadan.ir

shadan@shadan-pub.com



انتشارات شادان
SHADAN.PUB

در اینستاگرام نیز همراهان باشید:

عنوان: یک نقطه و تمام پدیدآور: لیلا مردانی /

تهران: شادان / ۱۴۰۰ ۴۱۶ صفحه / (زمان ۱۲۸۵)

شابک: ISBN : 978-622-7361-16-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

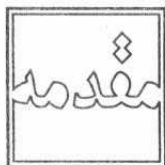
موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۲۰۳ رده بندی دیویی: ۸۳ / ۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۴۰۰۳

گره زدن خوشبختی به آینده...

پر تکرارترین اشتباه پدران و مادران در مورد فرزند، گره زدن خوشبختی آنان به آینده‌ای از راه نرسیده است. این که تصور می‌کنند تعریف موفقیت و خوشبختی دقیقاً همان چیزی است که در ذهن آنهاست و برای سوق دادن فرزند به آن سو، خیلی مطمئن هر کاری از دست شان برآید انجام می‌دهند؛ حتی اگر با ذهنیت و روحیات فرزند همخوانی نداشته باشد.



ذهن پدر و مادر - البته از نوع بافکر - به دنبال آرزوهایی است که به خیال خود قرار است در فردایی از راه برسد، مثل عنوانی که پیشوند اسم فرزند باشد و او را به دکتر و مهندس تبدیل کند یا حتی پیدا کردن کسی که با معیار پدر و مادر می‌تواند همراه خوبی برای فرزند باشد. اینها همه مثال‌هایی است که همه ما میدانیم و در واقع گره زدن فردای فرزند با چیزی یا کسی یا اتفاقی در آینده است که به خیال پدر و مادر همان اتفاق طلایی در موفقیت و خوشبختی فرزند خواهد بود.

نکته‌ای که در این میان فراموش میشود علاقه یا حتی توانایی فرزند در هماهنگی با آن اتفاق و خواسته است. در حقیقت هر کس باید با آرزوها و علائقش در یک فرکانس قرار بگیرد تا بتواند به آنها دست یابد. این که آیا اصلاً صلاح‌دید پدر و مادر با خواسته فرزند یکی باشد در یک سوی ماجراست و این موضوع که فرزند اصلاً بخواهد یا بتواند با آن برنامه‌ها و آمال ذهنی هماهنگ شود و هم فرکانس، یک بحث دیگر. حتی زمانی که یک

نفر به علائق شخصی خود فکر می‌کند و در آینده خود آن را ترسیم می‌کند هم مهم‌ترین عامل برای رسیدن به آن آرزو، دل دادن و قرار گرفتن در جهتی است که به آن می‌رسد.

شاید شما هم برخی افراد را دیده‌اید که به ظاهر در میان‌سالی به موقعیت خوب اجتماعی و اقتصادی رسیده‌اند و از نگاه دیگران افراد موفقی محسوب می‌شوند ولی پای صحبت‌شان که بنشینیم می‌بینیم سالهاست به دلیل قرار گرفتن در مسیر و خواسته پدر و مادر مثلاً رشته‌ای را انتخاب کرده‌اند که دوست نداشته‌اند یا با کسی ازدواج کرده‌اند که جذابیتی برایشان نداشته و سالهای سال، دم فرو بسته‌اند و همچنان در مسیر تعیین شده گام برداشته‌اند. این که فلانی سالهاست پزشک یا مهندس معروف و موفقی است - و پزشک و مهندس شدنش به دلیل خواسته پدرش بوده! - دلیلی بر حس رضایت درونی او نیست. او درس خوانده، متخصص شده و درآمدی عالی و زندگی ظاهراً خوبی دارد ولی هیچگاه آرزویی مثل موزیسین یا رقصیدن را از ذهن پاک نکرده و همواره در حسرت آن است.

بگذریم از مرور آنچه همه می‌دانیم، ولی کمتر عمل می‌کنیم... قصه امروز گوشه چشمی به همین تحمیل خواسته‌ها دارد. دخالت و تعیین تکلیف همیشگی بزرگترها که همواره خود را دانای کل می‌دانند و حتی گاهی برای عملی شدن خواسته‌هایشان از هر اهرم فشاری هم استفاده می‌کنند که یا برحسب اتفاق نتیجه‌ای خوب پیدا می‌کند و یا نتایج ناخوشایند آن گریبانگیر همه می‌شود. نویسنده با خلق شخصیت‌های ملموس و اتفاقات با پشتوانه منطقی، خواننده را با داستان همراه می‌سازد. این نکته مثبتی است که شرط اول در جذب مخاطب است. توصیه می‌کنم داستانش را بخوانید و مثل هر رمان اثرگذار، علاوه بر جذابیت، به آنچه ترسیم کرده بیندیشید.

بهمن رحیمی

دی ماه ۱۴۰۰ - تهران

